



## تحلیل جامعه شناختی پدیده خیانت زنان متاهل

سید ابوالفضل حسینی

کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد. ab.ho1991@gmail.com

دکتر علی اکبرمجدی

عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. majdi@um.ac.ir

علی اصغر اسماعیلی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی. esmaili12541@yahoo.com

علی زینلی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، alizeynali527@gmail.com

### چکیده:

باتوجه به افزایش روز افزون پدیده خیانت در بین زوجین و تبدیل شدن این پدیده به عنوان یکی از عوامل بسیار موثر در ازهم پاشیدگی خانواده های امروزی، این تحقیق باهدف بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به روابط خارج از زندگی زناشویی زنان متاهل شهرستان درگز در سال ۱۳۹۴ انجام شده است. رویکرد حاکم بر این تحقیق کیفی، تکنیک جمع آوری اطلاعات مصاحبه عمیق و ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه نیمه ساختار یافته می باشد. جامعه آماری این تحقیق کلیه زنان متاهلی بودند که به شوهر خود خیانت کرده بودند. روش نمونه گیری هدفمند، شیوه نمونه گیری به صورت تدریجی و براساس قاعده روشنایی بخشی انتخاب شده و حجم نمونه نیز بر مبنای قاعده اشباع اتخاذ شده که در نهایت ۱۲ نفر به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. تجزیه و تحلیل داده ها نیز به صورت کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد.

نتایج نشان داد که در نهایت عوامل اجتماعی موثر بر خیانت زنان متاهل:

عدم حمایت اجتماعی از طرف همسر که خود شامل حمایت عاطفی، جنسی، مالی می شود

استفاده نامناسب از وسایل ارتباط جمعی: استفاده نامناسب از ماهواره و شبکه های اجتماعی

برخی آسیب های اجتماعی: خشونت علیه زنان، اعتیاد

یادگیری اجتماعی خیانت: آموختن خیانت

عدم سنخیت: شکاف های شخصیتی و زیستی، ضعف اعتقادات مذهبی می باشد.

**کلید واژه ها:** خیانت، زنان متاهل، عوامل اجتماعی



### طرح مسئله

خیانت، عبور فرد از مرز رابطه زناشویی با برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی با فردی خارج از حیطه زناشویی است. خیانت زناشویی به هر گونه رابطه جنسی یا عاطفی فراتر از چارچوب رابطه متعهدانه بین دو همسر اطلاق می‌گردد. (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱:۱). خیانت در روابط زناشویی یکی از دلایل طلاق و آسیب رسان به زوجین می‌باشد. (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲:۲). خیانت شامل برقراری ارتباط جنسی یک فرد متاهل با جنس مخالف، خارج از چهارچوب خانواده (غیر از همسر) است (کاو، ۱۳۸۳). خیانت زناشویی یکی از مهمترین عوامل تهدید کننده عملکرد، ثبات و تداوم روابط زناشویی است (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱:۱).

مشاورین مطرح خانواده از افزایش طلاق های ناشی از خیانت همسران به یکدیگر خبر داده اند. کارشناسان با اشاره به علل پدید آمدن این ناهنجاری اخلاقی در حریم جامعه مذهبی ایران نگرانی خود را از افزایش خیانت و تاثیر آن بر قوام خانواده اعلام کردند.

دکتر حمید ایروانی مشاوره خانواده که با رویکرد جدیدش در ترمیم روابط ناشی از خیانت همسران به چهره ای محبوب و البته گرانقیمت در بین مشاورین خانواده در شمال شهر تهران تبدیل شده است. در این رابطه به خبرنگار همشهری گفت: متأسفانه از هر ده مورد مراجعه ای که به دفتر من می‌شود، هشت مورد آن در خصوص خیانت یکی از زوجین بوده است. اگرچه در بسیاری از موارد خیانت از سوی مرد آغاز می‌شود اما در سالهای اخیر به دلایلی این ناهنجاری اخلاقی از سوی زن نیز به عنوان یک عمل متقابل و به بهانه انتقام از مرد بی وفا و یا برطرف کردن کمبودهای عاطفی ناشی از بی توجهی همسر به کار گرفته می‌شود.

دکتر مهرداد احمدیان راد از مشاورین مطرح خانواده نیز معتقد است. افرادی که به همسر خود خیانت می‌کنند. عموماً از قدرت شخصیتی پایینی برخوردار هستند. از دیدگاه وی صرف نظر از ضعف ایمان و اخلاق، این دسته از افراد دارای شخصیت متزلزلی هستند و نمی‌توانند خود را با چارچوب زندگی مشترک تطبیق دهند و سعی می‌کنند از آن به انحاء گوناگون بگریزند.

همچنین دکتر محمد حسین شاکرزاده مشاور حوزه خانواده با اشاره به تاثیر مخرب ماهواره بر رویکرد های اخلاقی زوج و زوجه در خانواده آن را عامل مهمی در قبح زدایی از این رفتار غیر اخلاقی برشمرده ند و تاکید کردند: ۹۰ درصد از افرادی که دچار این انحراف می‌شوند از ماهواره استفاده می‌کنند و همچنین این افراد عموماً قبل از ازدواج دارای روابط متعدد با جنس مخالف بوده اند که آنها را تنوع طلب بار آورده است و لذا کمی پس از شروع زندگی مشترک با مقایسه شرایط بی بندوبار بیش از ازدواج، به سمت این انحراف کشیده می‌شوند.

خانم دکتر مهسا آل احمد روانشناس نیز داشتن چندین موبایل و شماره های تلفن موقت متعدد بدون اطلاع دیگر اعضای خانواده خصوصاً همسر را یکی از مصادیق تکرار شده در بین این افراد دانسته و افزود، همسران البته پس از زمان کوتاهی براساس برخی شواهد، متوجه تغییر رفتار یکدیگر می‌شوند و در صورت عدم برخورداری از توان روحی و دینی مناسب از آن پس بدون کمترین اعتماد به یکدیگر منتظر فرصتی برای انتقام هستند که منجر به رفتارهای غیر اخلاقی متقابل می‌شود و این رفتار سرانجام خانواده را به نقطه فروپاشی می‌رساند.

این مشاور حوزه خانواده ورود مسئولانه دستگاههای فرهنگی و اجتماعی را در پیش گیری از این رویکرد انحرافی در بین زوجین خواستار شده و نسبت و بی توجهی و سهل انگاری در مقابله با این معضل اخلاقی هشدار داد (گاردن: ۲۰۰۵ به نقل از عیسی نژاد، ۱۳۸۹: ۲).

بی وفایی زناشویی پدیده ای است که اغلب به خاطر بر طرف شدن نیازهای عاطفی فرد از طریق روابط خارج از حیطه زناشویی به وقوع می‌پیوندد. (هارلی، ۲۰۰۶ به نقل از مومنی جاوید، ۲۰۱۳: ۲). زندگی مشترک نیز مانند هر امر و پدیده دیگر، آسیب ها و آفتهای خاص خود را دارد و یکی از این آسیب های بزرگ و عمده زندگی مشترک، وجود روابط نامشروع است (کاو، ۱۳۸۳ به



نفل از شیردل، ۱: ۱۳۸۵). بی وفایی و خیانت، نوعی اختلال و بیماری در رفتار است، زیرا با توجه به عوارض نابهنجار و نامطلوبی که به همراه دارد، آسیب ها و مشکلات مختلفی را برای هریک از افراد دیگر ایجاد می نماید. (کاوه، ۲۰۰۸ به نقل از مومنی جاوید، ۲: ۱۳۹۰)

نبودن میل جنسی، ناکارآمدی جنسی مانند ناتوانی در روابط جنسی مطلوب و زود انزالی به طور مزمن، امتناع از عشق بازی و رفتار جنسی، عدم تحریک پذیری جنسی، دیر ارضا شدن، عدم توانایی در اظهار عشق جسمی و عاطفی مسایلی هستند که بیشتر مطرح می شوند. این موارد زوجین به جای درمان مشکل موجود در رابطه جنسی شان، به دلیل ناآگاهی یا احساس شرم و یا دلایل دیگر، مشکل را حل نشده رها کرده و نیاز خود را با ایجاد رابطه نامشروع جبران می کند. (اسپرینگ، ۱۳۸۰ به نقل از شیردل، ۴: ۱۳۸۵)

بی وفایی و خیانت، نوعی اختلال و بیماری در رفتار به شمار می رود. زیرا با توجه به عوارض نابهنجار و نامطلوبی که به همراه دارد، آسیب ها و مشکلات مختلفی را هم برای همسر خیانتکار و هم برای فرد ایجاد می کند. خیانت همسر، شبیه علائم استرس پس از ضربه بوده و با علائم شوک، سردرگمی، خشم، افسردگی، آسیب دیدن عزت نفس و کاهش اعتماد به نفس در مسائل شخصی و جنسیتی باشد. همچنین نتایج پژوهش های دیگر حاکی از آن است که پس از افشای خیانت همسر، خانواده ها با مسایلی نظیر بحران زناشویی، تضعیف عملکردی در نقش والدینی و مشکلات شغلی روبرو می شوند. از دیگر پیامدهای خیانت همسر می توان به مسایلی نظیر ضرب و شتم، قتل همسر و اقدام به خودکشی اشاره کرد. (گاردن: ۲۰۰۵ به نقل از عیس نژاد، ۲: ۱۳۸۹).

عموم محققان اذعان دارند که هر چند عشق رمانتیک می تواند کشش متقابل شدیدی بین زن و مرد جوان به وجود آورد ولی این عشق معمولاً از عمر چندانی برخوردار نیست و زمانی که شور اولیه آن از بین برود می توان انتظار داشت که رابطه زناشویی نیز که بر اساس چنین عشقی استوار گردیده است متزلزل شده واز هم بپاشد. (تایلر و همکاران، ۲۰۰۰، به نقل از بستان نجفی). کاوه در پژوهش که روی ۲۰۰ نفر از خانم های متاهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره انجام داد، به این نتیجه رسید که ۴۸ درصد خانم ها شواهد و مدارکی دال بر ارتباط برقرار کردن همسرشان با خانم دیگری را ملاحظه کرده بودند و ۲۷ درصد از شوهران، رابطه جنسی با فردی از جنس مخالف، غیر از همسر را داشته اند. (کاوه، ۱۳۸۳).

همچنین حدود ۴۰ درصد افرادی که در آمریکا طلاق گرفته اند گزارش کرده اند که در طول زندگی زناشویی حداقل یکبار درگیر روابط خارج از حیطه زناشویی شده اند (سودانی و همکاران، ۲: ۱۳۹۱).

با توجه به اینکه خیانت به عنوان یکی از تابوهای جامعه ما تلقی می شود پژوهش در این زمینه با مشکل خاصی همراه است. سطح افشاگری پایین از سوی کسانی که تجربه خیانت همسر داشته اند و کسانی که خود اقدام به خیانت کرده اند، به دلیل ترس از افشای اسرار زندگی شخصی شان و نتایج متعاقب آن به همکاری وضع گروه نمونه مورد نظر منجر می شود و از طرفی همکاری ضعیف از سوی مراجع قضایی و سایر سازمان های مرتبط به مشکلات فراوان، به ویژه در زمینه گردآوری اطلاعات منجر می شود. در این زمینه یافته های قبلی وجود دارد و نیاز به پژوهش و کشف یافته ها جدید دارد. هدف پژوهشگران این مطالعه بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به روابط خارج از زندگی زناشویی زنان متاهل در شهرستان درگز می باشد.

#### سوال اصلی تحقیق:

عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به روابط خارج از زندگی زناشویی زنان متاهل کدامند؟

#### چهارچوب نظری

در این بخش به بررسی نظریات مرتبط با تحقیق می پردازیم.

نظریه انگ زنی در واقع صورتی است از نظریه کنش متقابل نمادین و در تعریف رفتار نابهنجار دواپده اصلی مطرح می کند: (۱) متقابل بودن کنش (۲) نمادی بودن کنش- این رویکرد، کج رفتاری را مفهومی ساخته جامعه می داند، یعنی گروهی



در جامعه با تصویب قوانینی که تخطی از آنها کج رفتاری محسوب می شود و کسانی را قادر به انگ زنی می داند که نماینده قانون، نظم و اخلاق رایج اند و کج رفتار کسی است که این انگ به طور موفقیت آمیزی در مورد او بکار رفته و کج رفتاری عملی است که دیگران آن را چنین تعریف کرده باشند و نمونه انگ خورندگان هم معمولاً فقرا، مجرمان، بزهکاران جوان، معتاد به مواد مخدر، بیماران روانی و امثال آنها هستند. اما انگ زدن به یک شخص به عنوان کج رفتار، هم برای او و هم برای انگ زننده پیامدهایی دارد. همین که شخصی انگ کج رفتار خورد، صرف نظر از ماهیت کنش او، تمایل می یابد که خود را کج رفتار بداند و همین امر باعث ادامه کتس قبلی (کج رفتاری) خواهد شد. (سماواتی، ۱۳۷۶).

تلاش پدیدار شناسی این است که به بخش اندرونی ذهن افراورد می شود و به مقولات و مفاهیمی مانند آگاهی، نگرش، احساس، درک و دریافت و عقیده آنها بپردازد. فرض اصلی نظریه پدیدارشناختی این است که همه افراد، چه کج رفتار انگ خورنده و چه هم نوای انگ زننده، از کج رفتاری، کاملاً ذهنی عمل می کنند. پدیدار شناس مدعی است که کنش اجتماعی، تنها تحت تاثیر فشار نیروهای بیرونی نیست، بلکه کنش گران ضمن زندگی روزانه خود، واقعیات اجتماعی را تجربه و مرتباً آن را باز سازی می کنند و در کنش متقابل با یکدیگر جهانی می سازند که در آن هر کس می تواند خود را به جای دیگری قرار دهد و از آن منظر به خود و دیگران نگاه کند و وقتی در شرایطی مشابه واقع می شود، راه حل‌های مشابهی را انتخاب می کند. (تیو، ۲۰۰۱: ۳۹؛ هندل، ۱۹۸۲؛ موریس، ۱۹۷۷).

نظریه پردازان مارکسیست حوزه تضاد، مشخصاً بر طبیعت استسماگر سرمایه داری به عنوان علت اصلی کج رفتاری افراد تاکید می کنند و مدعی اند که فرآیند انباشت سرمایه و افزایش منافع سرمایه داران به بیکاری بخشی از اعضای طبقه محروم منتهی می شود که این بیکاری علت اصلی کج رفتاری است و عدم توانایی این جمعیت بیکار در تامین یک زندگی محترمانه، آنها را به کج رفتاری می کشاند. این کج رفتارها تنها مربوط به سرقت اموال نیست بلکه جرایم شخصی مثل زدو خورد، تجاوز، قتل، الکلیسم و خودکشی را نیز در بر می گیرد و حتی موجب بروز بیماریهای روانی می شود. و هم چنین قرار گرفتن این جمعیت بیکار در حاشیه فرآیندهای اقتصادی به فقدان عزت نفس و به احساس ناتوانی و بیگانگی در آنان می انجامد که فشارهای زیادی را بر آنها تحمیل می کند و در برخی مواقع موجب بروز مشکلات عاطفی می شوند بدین ترتیب سرمایه داری، افراد را فقیر و مجبور به کج رفتاری می کند. (تیو، ۲۰۰۱: ۴۸).

ویلیام تامس و فلورین زانیکی معتقدند پدیده مهاجرت و نقل مکان منجر به تغییر نگرش در انسانها از حالت جمع گرا به فرد گرا شده است. این دو نظریه پرداز به ذکر قواعد جامعه شناختی زیر در مورد بی سازمانی خانوادگی پرداختند: الف) ارزش های جدید (مانند ارضای لذت جویانه ی خواهش های جنسی) وارد خانواده شده است و در تعارض با ارزش های کهن، بی سازمانی خانواده را به دنبال دارد.

نکته اصلی نظریه سادرلند این است که افراد به این علت کج رفتار می شوند که تعداد ارتباطهای انحرافی آنان بیش از ارتباطهای غیر انحرافی شان است. این تفاوت شامل افراد با کسانی که ایده های کج رفتارانه دارند. نسبت به افرادی که از ایده های هم نوایانه برخوردارند (یعنی ارتباط بیشتر آنان با کج رفتاران یا ایده های کج رفتاری) علت اصلی کج رفتاری آنها است. در نظریه های کنترل اجتماعی فرض شده که همه بطور طبیعی انگیزه ارتکاب کج رفتاری را دارند و نیازی به تبیین این انگیزه ها نیست بلکه آنچه نیاز به توضیح و تبیین دارد، هم نوایی با هنجارها ی اجتماعی است. تراوس هرشی، مهم ترین صاحب نظر این رویکرد علت هم نوایی افراد با هنجارها یا اجتماعی آنها دانسته است. وی مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه مهم ترین علت هم نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کج رفتاری است. هرشی چهار جزء اصلی پیوند شخص با جامعه را که مانع کج رفتاری میشود (۱) تعلق خاطر (۲) متعهد (۳) درگیر شدن (۴) اعتقاد دکتربین بازدارندگی بر اعمال کنترل اجتماعی رسمی به وسیله قضاوت و سایر عوامل اجرای قانون تاکید دارند. فرض اصلی در این نظریه این است که انسانها اساساً عقلانی عمل کرده، در مورد ارتکاب هر نوع کج رفتاری تحلیل داده-ستانده می کنند و چنانچه هزینه ارتکاب بیش از منفعت آن باشد از کج رفتاری خودداری خواهند کرد. بنابراین مجازات - یعنی کنترل اجتماعی از





طریق بازداشت، محاکمه، زندان و اعدام مجرم-مانع ارتکاب جرم و عدم مجازات مشوق کج رفتاری می شود. فرض این نظریه این است که هر چه شدت، قطعیت و سرعت اعمال مجازات بیشتر باشد، قدرت بازدارندگی آن نیز بیشتر خواهد بود. (صدیق سروستانی: ۱۳۸۸، ۵۱-۵۰).

ترتیب جنسی آرمانی برای فمینیستهای لیبرالی، آن ترتیبی است که طی آن هر فردی مناسبترین سبک زندگی را برای خود برگزیند و گزینش او از سوی دیگران پذیرفته و مورد احترام قرار گیرد، حال می خواهد خانه داری یا خانه شوهری باشد، زندگی مجردی باشد و یا نیمی از درآمد خانوادگی را عهده ار شود بچه دار یا بی بچه باشد و یا نوعی ارضای جنسی اعطاف پذیر را در پیش گیرد، بنابراین طبق این نظریه هر زنی می تواند نوعی ارضای جنسی که مورد نظر خود است انتخاب کند. (کودرو، ۱۹۷۸؛ دیزستاین، ۱۹۶۷).

اصطلاح « مدرنیته » برای قرن ها مترادف دگرگونی اجتماعی بوده است. اما در دوره ای که گیدنز آن را « اواخر مدرنیته » می نامد. (از سال ۱۹۰۰ و عمدتاً از جنگ جهانی دوم به بعد) آهنگ و سرعت دگرگونی، شدت یافت. نویسندگان جریانات مسلط فکری عقیده دارند که این پیامدها باعث بروز احساسات دوگانه در سطحی گسترده در بین همگان شده است.

گیدنز مقیاس و میزان شگفت انگیز و نیز شدت دگرگونی اجتماعی را با اشاره به دو شیوه کردار بیان می کند. روابط مبتنی بر «بازتابندگی» و برآمده از تکنولوژی که بازارها، نظام های بوروکراتیک و رسانه های فرهنگی را قادر می سازد در سراسر جهان گسترش یافته و سپس در بازگشت، محیط کار، خانه و زندگی روزمره ی ما را در بر می گیرد. «بازتابندگی» به رویه هایی اشاره دارد که به وسیله ی مشاهده و تفکر، هدایت و راهنمایی می شود. (یعنی آگاهی استدلال)

یعنی خود دورکیم بر این باور بود که اگر در جامعه ای همبستگی اجتماعی\_نیروی کششی که افراد یک جامعه را به هم می پیوندند-قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با ارزشها و هنجارهای اجتماعی همونوا می شوند؛ ولی اگر در جامعه ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد، ممکن است مردم به سوی رفتار مجرمانه کشیده شوند. به بیان دیگر، افرادی که با اجتماع خود همبستگی دارند تمایل به تبعیت از مقررات آن دارند؛ در حالی که کسانی که از اجتماع بریده اند، ممکن است، تمایل به نقض آن مقررات داشته باشند.

بنابراین کج رویها و نوع کنترل اجتماعی با توجه به ساختار جامعه، شکل حکومت، فرهنگ، نهادهای اجتماعی و... متفاوت است. در جامعه بسته روستایی که همه همدیگر را می شناسند و روابط براساس احترام است و کوچکترها به وسیله و تحت کنترل بزرگترها یا به عبارتی ریش سفیدان هستند، اعضای جامعه برای آنکه انگشت نما نشوند و از جامعه خود طرد نگردند، کمتر به کج روی روی آورند. از این رو، افراد سعی دارند در چهارچوب سنت و فرهنگ جامعه خود زندگی کنند، زیرا در این گونه جامعه ها، نگاه ریش سفیدان به فرد خاطی سنگین تر از چند سال زندان است. اما شکل کنترل اجتماعی در جامعه های باز مثل شهرها متفاوت است. در شهر خانواده کوچکتر شده و اعضای خانواده به خاطر مشکلات اقتصادی و شغلی و در گیر شدن با زندگی ماشینی کمتر همدیگر را می بینند. در اینجا، قانون و مقررات کنترل کننده رفتار اجتماعی است.

پس از دورکیم رابرت مرتون (۱۹۶۸) جامعه شناس آمریکایی نظریه فشار ساختاری خود را بر پایه نظریه بی هنجاری او تعمیم داد. مرتون آنومی یا بی هنجاری را به فشاری اطلاق می کند که وقتی هنجارها ی پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر افراد وارد می آید. در واقع، این نظریه، انحراف را به عنوان نتیجه فشار ساختاری می داند که مردم را تحت فشار قرار می دهد، تبیین می کند.

در نظریه فشار ساختاری، مرتون بر این باور است که انحراف (کژ رفتاری) برای این پیش می آید که جامعه دستیابی به برخی هدفها را تشویق می کند؛ ولی وسایل ضروری برای رسیدن به این هدفها را در اختیار همه اعضای جامعه قرار نمی دهد. در نتیجه، برخی افراد یا با هدفهای خاصی را برای خود برگزینند و یا برای رسیدن به هدفهایی که فرهنگ جامعه شان تجویز کرده، باید وسایل نا مشروعی را به کار ببرند.



نظریه انتقال فرهنگی بر این نکته تأکید دارد که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با دوستان ناباب آموخته می شود. ادوین ساترلند (۱۹۳۹) بر این اعتقاد بود که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار یا پیوند افتراقی یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند تبهکاران آموخته می شود. او می گوید: برای آنکه شخص جنایتکار شود، باید نخست بیاموزد که چگونه می توان جنایت کرد. (کوئن؛ ۱۳۷۰: ۱۶۷). کراسی (۱۹۴۳) نیز مانند ساترلند بر این باور است که بسیاری از رفتارهای جنایی از طریق معاشرت با کسان و والدین قابل پذیرش و پاداش دهنده که در محیط جسمانی و اجتماعی فرد هستند، آموخته می شود.

دورکیم<sup>(۱)</sup> (۱۹۵۱) از جمله نظریه پردازان قرن نوزدهم است که به تبیین کژ رفتاری از دیدگاه جامعه شناختی پرداخت. او درباره ی رابطه میان انسان و نیازها و آرزوهایش بحث می کند و بر این باور است که در شرایط اجتماعی استوار و پایدار، آرزوهای انسان از طریق هنجارها، تنظیم و محدود می شود و با از هم پاشیدگی هنجارها ( و لذا از بین رفتن کنترل آرزوها ) یک وضعیت آرزوهای بی حد و حصر یا آنومی<sup>(۲)</sup> بوجود می آید. از آنجا که این آرزوهای بی حد و حصر، نمی توانند ارضا شوند، در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی دائمی پدید می آید. سپس این نارضایتی، در جریان های اقدامات اجتماعی منفی نظیر: خودکشی، تبهکاری، طلاق و . . . ظاهر می گردد.



مدل تحقیقی:





### روش تحقیق:

روش تحقیق در پژوهش حاضر به صورت کیفی خواهد بود. مهمترین ابزار آن، مصاحبه عمیق است که با زنان متأهل که مرتکب خیانت شده اند انجام می‌گیرد. روش‌های کیفی را می‌توان برای بدست آوردن جزئیات ظریف از پدیده‌هایی نظیر احساس، فرآیندهای ذهنی و هیجاناتی به کار برد که آموختن درباره آن‌ها با استفاده از روش‌های متعارف پژوهش، دشوار است (استراوس، ۱۳۹۰: ۳۳).

### جامعه مورد مطالعه:

جامعه مورد نظر در این پژوهش شامل کلیه زن‌های که روابط خارج از زندگی زناشویی داشته‌اند و برای طلاق به اورژانس اجتماعی شهرستان درگز مراجعه کرده‌اند.

### نمونه‌گیری:

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مصاحبه عمیق است. گردآوری داده‌ها تازمانی که به حد اشباع برسد ادامه دارد. یعنی تا زمانی که افراد نمونه دیگر چیزی به داده‌ها اضافه نکنند و یا آنچه که مطرح می‌کنند، در تضاد با دانسته‌های گردآوری شده نباشد. البته عامل کلیدی که در این راستا باید در نظر گرفت، ماهیت سوالی است که در پژوهش مطرح می‌شود (حریری، ۱۳۵۸: ۱۴۰).

با توجه به این نکته که در روش تحقیق کیفی نمونه‌گیری به شیوه روش کمی وجود ندارد و نمونه‌گیری مفهومی بیشتر مد نظر است، لذا حجم نمونه در فرآیند کار مشخص می‌شود. بدین معنی، تا زمانی که جواب‌ها به اشباع نظری نرسند مصاحبه‌ها ادامه می‌یابد. در تحقیق حاضر ۱۲ نمونه پاسخ‌ها به اشباع نظری رسیده است.

### یافته‌ها و بحث:

در استراتژی تجزیه و تحلیل از سه نوع کدگذاری استفاده می‌شود.

الف: کدگذاری باز

ب: کدگذاری محوری

ج: کدگذاری انتخابی

کدگذاری باز:

کدگذاری باز بخشی از تجربه و تحلیل است که شامل شناسایی، نام‌گذاری، دسته‌بندی و تشریح پدیده‌های موجود میان داده‌ها است. در مصاحبه‌ها سعی خواهد شد پاسخگویان همه اثرات زندان را در زمان گذشته و حال مورد توجه قرار دهند و اظهار کنند. در نهایت مجموعه متن مصاحبه‌ها برای استخراج اثرات زندان مطالعه و کدگذاری خواهد شد (صدیق‌اورعی، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

### کدگذاری محوری:

کدگذاری محوری فرآیند ایجاد ارتباط بین کدها (دسته‌بندی‌ها و مشخصات) با یکدیگر است. در این مرحله عناوین به دست آمده در کدگذاری باز مجدداً مورد انتزاع قرار خواهد گرفت و به هر دسته‌عنوانی کلی‌تر داده‌شد. به عبارت دیگر در این مرحله، مفاهیم استخراج خواهد شد و در قالب مقولات عمده دسته‌بندی خواهند گردید (همان منبع).





مقولات عمده عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به روابط خارج از زندگی زناشویی زنان متأهل

مفاهیم	مقولات محوری
ازدواج با اختلاف سنی زیاد	شکاف های شخصیتی و زیستی
شرایط نامساعد همسر	
عدم تفاهم اخلاقی	
عدم درک متقابل	
برآورده نشدن نیازهای جنسی	عدم حمایت جنسی
عدم رضایت جنسی	
خیانت با خاطر عقده های جنسی	
اهمیت همسر به دوستان	عدم حمایت عاطفی
خیانت به خاطر کمبود محبت	
خلاء های عاطفی	
تنهایی	
احساس افسردگی	
بی تفاوتی و رفتارهای سرد همسر	
عدم تامین نیازهای عاطفی	
عدم مقاومت در برابر ابراز احساسات شخصی دیگر	
ابراز محبت از طرف شخصی دیگر	
اعتقادات دینی ضعیف زوجین	
ضعف اعتقادات	
فشار مالی	عدم حمایت مالی
کمک مالی از جنس مخالف	
خیانت به خاطر خلاء های مالی	
بی مسئولیتی همسر به دلیل مصرف مواد	
انجام وظایف شغلی همسر	
ازدواج مجدد به خاطر مشکلات مالی	
پرکردن اوقات فراغت با ماهواره و شبکه های اجتماعی	استفاده نامناسب از شبکه های اجتماعی
استفاده غیر معمول از شبکه های اجتماعی	
ارتباط همسر با جنس مخالف از طریق شبکه های اجتماعی	
تاثیر فیلم های ماهواره بر تنوع طلبی جنسی	استفاده نامناسب از ماهواره
مصرف ماهواره	
تغیر رفتار همسر به دلیل مصرف ماهواره	



مفاهیم	مقولات محوری
تغییر خواسته های جنسی همسر	اعتیاد
گرایش همسر به مصرف مواد	
مصرف مواد	
آلوده شدن به مصرف مواد	
مشاخره به خاطر تامین هزینه های مواد	
گرایش همسر به مصرف مواد	
خیانت به خاطر تامین هزینه مواد	خشونت علیه زنان
ارزش قائل نشدن برای اعتراضات از طرف همسر	
خشونت روانی همسر	آموختن خیانت
تلافی خیانت همسر	
تقلید خیانت	

در ایجاد مقوله های عمده سعی شده است که هرکدام از مقوله ها به لحاظ نظری، دارای انسجام قابل قبولی باشند اینک به ارائه توضیح مختصری درباره هر یک از این مقولات عمده خواهیم پرداخت.

#### شکاف های شخصیتی و زیستی:

یکی از عواملی که منجر به خیانت زنان متاهل می شود، بحث شکاف هایی است به لحاظ روانشناختی، اخلاقی، سنی بین زوجین وجود دارد که این شکاف منجر به عدم تحمل یک رابطه و گرایش به سمت رابطه نامشروع خارج از چهارچوب ازدواج می شود. در توضیح اهمیت شکاف های اخلاقی خانم س.م می گوید:

"بله، من و همسر با هم تفاهم اخلاقی نداشتیم."

در مورد شکاف سنی خانم ع.ص می گوید:

" زمانی متوجه شدم کار اشتباهی انجام می دهم که تعداد خواستگاریهایم بسیار محدود شده بودند و هیچ کدام شرایط مناسبی نداشتند تا اینکه به اجبار خانواده به فردی جواب مثبت دادم که بیست سال از خودم بزرگتر بود." بنابراین من جمله عوامل مهم در ایجاد خیانت وجود شکاف های شخصیتی و زیستی بین زوجین می باشد.

#### عدم حمایت

عدم حمایت از طرف همسر در ابعاد مختلف جنسی، عاطفی، مالی یک از عوامل مهم در ایجاد خیانت زنان متاهل می باشد، این یافته با توجه به برخی از نظریان نیز قابل تبیین می باشد، از جمله نظریه مارکسیسم علت کج رفتاری را ضعف اقتصاد سرمایه داری می داند طبق این نظریه، افراد در شرایط اقتصادی نامطلوب جهت برطرف نمودن نیازهای خود کج رفتار می شوند همچون زنانی که از نظر اقتصادی از جانب همسر تأمین نشده لذا جهت برطرف نمودن نیازهای مادی خود به زندگی مشترکشان پایبند نبوده و اقدام به برقراری روابط نامشروع می نمایند.

خانم ع.ل می گوید:

"آره، رابطه ما هر روز عمیق تر می شد تا جایی که به منزلش رفتم و... (مراجع سکوت کرد و سرش را پایین انداخت) حتی وقتی فهمیدم همسرش زنده است و او به من دروغ گفته آن قدر شیفته اش شده بودم که دروغش برایم مهم نبود. شاید حق من نبود با حسرت نداشته هایم یک عمر کنار بیایم."

همچنین خانم ر.م می گوید:



"راستش او برعکس همسرم اوضاع مالی اش فوق العاده بود هر از گاهی به حسابم پول واریز می کرد می گفت این پولها بابت وقتی است که برایش گذاشته ام. یک بار از من خواست تا حضوری از من تشکر کند در دفتر کارش با هم قرار گذاشتیم." همچنین در توضیح عدم حمایت عاطفی با استنباط از نظریه فمینیسم روانکاوانه که بر طبق این نظریه زنان زمانی که از همسر خودشان حمایت و از نظر عاطفی ارضا نشوند به روابط با مردان دیگر، خارج از زندگی زناشویی تمایل می یابند.

**خانم ع.ل** در توضیح عدم حمایت عاطفی می گوید:

"وقتی که همسرم با من سرد برخورد می کردند و حمایت عاطفی از بنده نداشتند دیگر نتوانستم در برابر ابراز احساسات آن مرد مقاومت کنم و متأسفانه اینطور شد که به همسرم خیانت کردم."

**خانم ف.ا** در توضیح تنهایی می گوید:

"همسرم درگری است بعد از ازدواج، در شمال زندگی کردیم و همسرم به واسطه کاری که داشتند مجبور بودند اکثر اوقات بیرون منزل باشند من و فرزندم در خانه با هم تنها بودیم و این برایم خسته کننده بود."

**خانم ر.م** در توضیح بی تفاوتی های عاطفی می گوید:

"این بی تفاوتی ها و رفتارهای سرد همسرم باعث شد که بنده دچار خطا شوم."

#### ضعف اعتقادات مذهبی

تراوس هرشی در زمینه کج رفتاری در بُعد کنترل اجتماعی به پیوند اجتماعی اشاره نموده است چرا که از نظر هرشی افراد برای اینکه در جامعه شخصیت مقبولی داشته باشند به ناچار باید با هنجارهای اجتماعی هم نوا بوده و جهت انجام این هم نوایی نیاز به برقراری پیوند اجتماعی دارند و از دیدگاه هرشی ضعف این پیوند یا نبودن آن علت اصلی کج رفتاری است و اگر این پیوند اجتماعی بین فرد و جامعه به نحو احسن برقرار گردد دیگر فرد دچار کج رفتاری نشده و یا اینکه احتمال وقوع کج رفتاری در وی ضعیف می باشد. بنابراین یکی از عوامل همنوایی افراد با هنجارهای اسلامی وجود اعتقادات مذهبی می باشد که باعث یک نوع پیوند بین افراد و جامعه می شود و ضعف آن می تواند یکی از دلایل خیانت زنان باشد.

**خانم س.د** می گوید:

"اگر من به سمت خدا می رفتم مطمئناً در این مرداب گرفتار نمیشدم و اکنون وضعیت بهتری داشتم."

یا **خانم ف.ا** می گوید

"همسرم نماز نمی خواند و گاهی هم مصرف مشروب داشت و خودم هم گاهی نماز می خواندم و زیاد پایبند اصول دینی نبودم"

#### استفاده نامناسب از وسایل ارتباط جمعی

دو ابزار مهم و مورد اقبال در بین وسایل ارتباط جمعی مصرف ماهواره و شبکه های اجتماعی می باشد. در صورت استفاده نادرست و ناآگاهانه از این نوع وسایل، باعث اختلال در روابط زناشویی و به وجود آمدن پدیده خیانت می شود. همچنین با استنباط از نظریه فاصله فرهنگی در حوزه جهانی شدن فرهنگ، طبق این رویکرد گسترش وسایل ارتباط جمعی، شیوه های گوناگون ارضاء میل جنسی را نشان داده است و زنان متاهل هم از وسایل ارتباط جمعی به درستی استفاده نکرده اند و به ارضاء میل جنسی به طرق گوناگون عمل کرده اند.

**خانم ع.ص** در توضیح استفاده نامناسب از شبکه های اجتماعی می گوید:

"همسرم که در منزل نبود من هم بیشتر وقتم را صرف تلگرام و چت می کردم."

**خانم م.ه** در توضیح استفاده نامناسب از ماهواره می گوید:

"بعد از مدتی که فیلم های ماهواره را دنبال می کردم کم کم احساسی در بنده به وجود آمد که می توانم با فردی دیگری هم به جز همسرم در ارتباط باشم"

همچنین **خانم ر.م** می گوید:

"فیلم ها هم بر من تأثیر گذاشت، چرا که تنوع طلبی و تجربه با مردهای مختلف را به من القاء می کرد."



### اعتیاد:

اعتیاد که خود یک مسئله چند علیتی است می تواند خود ایجادگر زمینه خیانت باشد.

**خانم ع.ل** در خصوص تأمین هزینه های مواد می گوید:

"با گذشت زمان مقدار مصرفم زیاد شد و دیگر توان تأمین هزینه های مواد را نداشتم و زمانی که درب منزل افراد مواد فروش می رفتم خیلی به آنها التماس می کردم تا مواد بیشتری به من بدهند و گاهی که پولی دستم نبود . . ."

همچنین **خانم ع.ص** در خصوص اعتیاد همسر می گوید:

"بعد از اینکه در ساختمان نگهداری مستقر شدیم مدت زیادی نگذشت که همسرم مصرف مواد مخدر خود را شروع کرد و به تبع، مصرف مواد مخدر بیشتر وقت او را گرفته و نسبت به شغل خود بی مسئولیت شدند"

### خشونت علیه زنان:

با توجه ظرفیت و لطافت عاطفی زنان و شکننده بودن آن هر گونه اعمال خشونت روانی علیه زنان می تواند باعث جدایی عاطفی و زمینه خیانت جنسی باشد.

**خانم ع.ص** می گوید:

"خیلی برایم سخت بود مخصوصاً نگاه های ناپاک بعضی از دوستان همسرم، بسیار برایم سنگین بود و زمانی که لب به اعتراض می گشودم همسرم با بنده خشن برخورد میکرد."

### آموختن خیانت

طبق نظریه ساترلند در بحث انحرافات اجتماعی علت کج رفتاری افراد را ارتباطات انحرافی آنان می داند و این امر نشان دهنده تاکید ساترلند بر بعد یادگیری و آموزش افراد در این زمینه می باشد لازم به ذکر است که مباحث بالینی، شناختی و مرضی در نظریه کج رفتاری ساترلند جایگاه کم رنگی داشته و تاکید بیشتر وی بر محیط و یادگیری در محیط می باشد. بنابراین در برخی از مواقع زنان خیانت را از شخصی دیگر فرا می گیرند.

**خانم س.م** در توضیح تقلید خیانت می گوید:

"رفتارهای سرد همسرم باعث شد من بیشترین وقتم را با دختر خاله ام بگذرانم، متأسفانه دخترخاله ام با اینکه متأهل بودند نسبت به زندگی مشترکشان پایبند نبوده و در حق همسرشان خیانت می کردند و متأسفانه در، آمد و شدهایی که با ایشان داشتیم من هم دچار این خطا شده و در حق همسرم خیانت نمودم"

همچنین **خانم آ.ج** در توضیح تلافی خیانت همسر می گوید:

"مطمئن شدم که همسرم از طریق شبکه های اجتماعی با خانومی در ارتباط است لذا مدتی سکوت کردم و در این رابطه به همسرم چیزی نگفتم و به خودم وعده میدادم که همسرم به زودی دست از این خطا بر میدارد زمانی که مشاهده کردم همچنان همسرم به خطای خود ادامه می دهد تصمیم گرفتم من نیز این خیانت را تلافی کنم."

### کد گذاری گزینشی:

کد گذاری گزینشی سومین مرحله کدگذاری است که کدگذاری محوری را در سطح انتزاعی تر ادامه می دهد. در این مرحله شکل گیری و پیوند هر دسته بندی با سایر گروه ها تشریح می شود. با طرح موضوع به این ترتیب، شکل فرمول بندی شده و شرح و بسط داده شده ای از سرگذشت مورد به دست خواهد آمد. در این نقطه، اشتراوس و کوربین مساله یا پدیده اصلی مطالعه را به منزله یک مورد و نه به شکل یک شخص یا مصاحبه منفرد در نظر می گیرند. باید در اینجا توجه داشته باشید که هدف از این فرمول بندی ارائه تصویری اجمالی از ماجرا و مورد است و به همین دلیل باید با عبارتهای مختصر و کوتاه بیان شود. تحلیل از سطح توصیفی فراتر می رود و خط داستانی را تشریح می کند- یک مفهوم به پدیده اصلی داستان نسبت داده می شود و به سایر مقوله ها مرتبط می شود. در هر مورد، نتیجه کار باید یک مقوله و یک پدیده محوری





باشد. تحلیل گر باید میان دو پدیده اصلی دست به انتخاب بزند و به آنها وزن بدهد، در نتیجه آن مقوله محوری به همراه مقولات فرعی اش که به آن مربوط می شوند، شکل می گیرد.

با دقت در مطالبی که تحت عنوان کدگذاری باز ارائه شد و با توضیحاتی که ذیل عنوان مقولات عمده ارائه گردید و با تجربه حاصل در طول مدت مصاحبه های ژرف با پاسخگویان به این نتیجه رسیدیم عوامل اجتماعی موثر بر خیانت زنان متاهل:

عدم حمایت اجتماعی از طرف همسر که خود شامل حمایت عاطفی، جنسی، مالی می شود

استفاده نامناسب از وسایل ارتباط جمعی: استفاده نامناسب از ماهواره و شبکه های اجتماعی

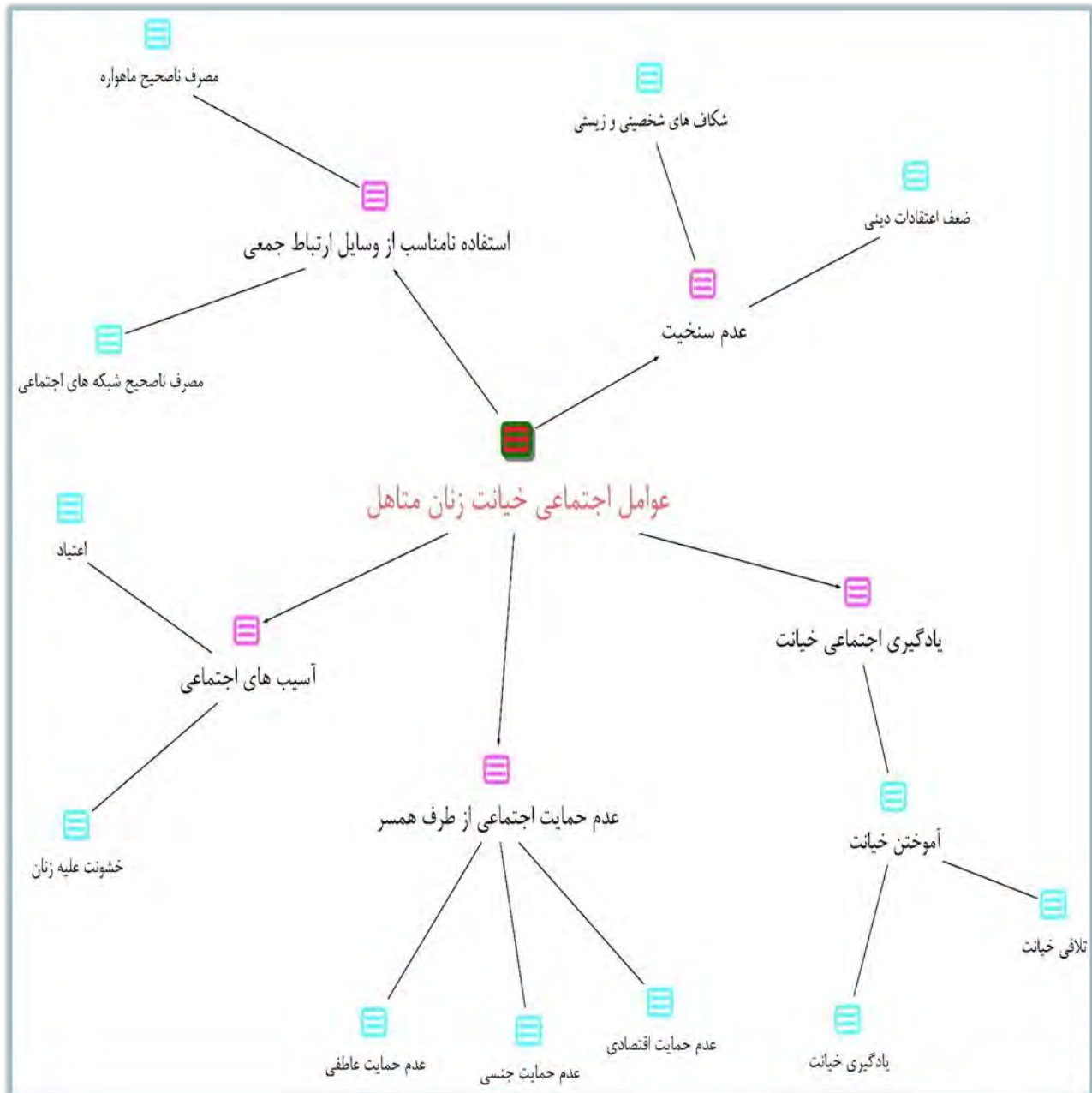
برخی آسیب های اجتماعی: خشونت علیه زنان، اعتیاد

یادگیری اجتماعی خیانت: آموختن خیانت

عدم سختی: شکاف های شخصیتی و زیستی، ضعف اعتقادات مذهبی می باشد.



مدل نهایی تحقیق





## منابع :

۱. بخاری، احمد. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهاک جامعه.
۲. ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات) چاپ بیست و یکم، تهران، آوای نو.
۳. سودانی، منصور؛ کریمی، جواد؛ مهربانی زاده هنرمند، مهناز و نیسی، عبدالکاظم. (۱۳۹۱). اثر بخشی زوج درمانی هیجان مدار بر کاهش آسیب‌های ناشی از خیانت همسر، تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۱۰، شماره ۴، ص ۲۵۸ - ۲۶۸.
۴. سودانی، منصور؛ منجری، فرزانه و شفیق آبادی، عبدالله. (۱۳۹۰). تاثیر آموزش‌های اسلامی خانواده بر افزایش رضایت زناشویی زوجین، اندیشه‌های نوین تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء، دوره ۸، شماره ۳، ص ۹ - ۳۰.
۵. شرفی‌جم، محمد رضا. (۱۳۸۳). نظارت مردمی در منظر انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی، هم‌اندیشی علمی-پژوهشی.
۶. شریفی، مرضیه، مهناز حاجی حیدری، فریبرز خورش، مریم فاتی، زاده، (۱۳۹۱). رابطه طرح‌واره‌های عشق و توجیه روابط زناشویی در زنان متأهل شهر اصفهان، ویژه‌نامه سلامت روان، تحت علوم رفتاری، دوره ۱۰، شماره ۶.
۷. شیردل، ملیحه، (۱۳۸۵). عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
۸. صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، چاپ پنجم، تهران، سمت.
۹. عیسی‌نژاد، امید؛ احمدی، سید احمد و اعتمادی، عذرا. (۱۳۸۹). اثر بخشی غنی‌سازی روابط بر بهبود کیفیت روابط زناشویی زوجین، مجله علوم رفتاری، دوره ۴، شماره ۱، ص ۹ - ۱۶.
۱۰. کافی، مجید. (۱۳۸۸). نظریه‌ی انحطاط و اصول شش‌گانه تکامل انسانی از نظر سید جمال‌الدین اسدآبادی، دو فصلنامه علمی-تخصصی اسلام و علوم اجتماعی، سال اول، شماره ۱، ص ۴۹ - ۸۴.
۱۱. کریمی، جواد، منصور سودانی، مهناز مهربانی زاده هنرمند، (۱۳۹۲). مقایسه اثر بخشی زوج درمانی یکپارچه نگر و زوج درمانی هیجان مدار بر علائم افسردگی و استرس پس از سانحه ناشی از روابط فرازناشویی در زوجین، مجله روانشناسی بالینی، سال پنجم، شماره سه، پیاپی نوزده.
۱۲. کوئن، بروس. (۱۳۸۶). مبانی جامعه‌شناسی، غلامعلی عباس توسلی و رضا فاضل، چاپ هجدهم، انتشارات سمت.
۱۳. مهرآور مومنی، جاوید، مهرانگیز شعاع کاظمی، (۱۳۹۲). اثربخشی مداخلات روان‌درمانی بر بخشش خیانت همسر در زنان متأهل شهر تهران، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال ششم، شماره ۱۴۱.